

بودجه احزاب و دستجات سیاسی از کجا قامین میشود؟

محمد رضا یادگار

احدام محمد فانون اساس آنمان، در دکتری اسلامی پارلایس
حده اخواز باید از یک میقات در استفاده از اختصار مالی
پروردودزد برآشده باشد نه برآوردهای ساسی و اجتماعی
خودتان را به شهروندان عربی کنند در شجه همینه شهود
انتخاب گنده هنگام رعایت رای به مسدود آنچه ایستادی
حرب و برنامه ساسی و اجتماعی حربی را که شعفی کردید
به آن واسطه است بشناسد و با تناقض تمام انتخاب کرد.
فالوکار آمریکائی موجوب فانون اسلامی انتخابات
درگاه می مسوب ۱۹۷۲ عظیمهای خود را به کاندیداهای ساسی و
محلس نمایش کان و ریاستجمهوری را که سی از ۱۰۰ اهل
باشد مع ممکن. ناکنکه پیدا است که هریک انتخاب ایستادی
کاندید ای ای ریاستجمهوری آمریکا توسط حرب نامیں مرسد
از این طرف خود کاندیدا. ساربان دست رسم امداد اوان و
حاجان احتمالات کاملاً در همان اتفاق امکان عمومی باز است
مسارات دیگر هرگاه شخصی بددهند که کاندید ایان به
دلارهای ریاضی احتیاج دارد نا سرخرچنی پیور شود. بطور
که درینجا زیمهای تبلیغات او را نامی میگذشت. و این ۵
را پیغام از طریق حرب مورد علاقه با حرب خامی مانع انتخاب
اجرام بین کشند.

حراب در هر صورت وجود داردند. سپس باید به مسئله وجودی احزاب پرداخت. در تعریف حزب، آنرا به عنوان مجتمعی پایدار خواندیم و ب شبیه برای پایدار بودن و باقی ماندن نیاز به بودجه و اعتبار است. این اعتبار از کجا نامن مسود است؟

در گشورهای متل کانادا، زاین و اینکس میر فارسی
از همین نوع وجود دارد. اما آنچه که اسادان حقوق اساسی
در آن متفق‌الرأی نمی‌ستند این است که بهترین و مسلمه
تامین امراض عدات ماسن اسرات می‌باشد. می‌توانست از این
معنویت کوکای مالی‌خواهان در تدبیر و مهاده احصار
و تدبیر انتظام اعانت و نکت توسط دولت که این عمل از دو
طرق می‌تواند انجام بگیرد:
۱- با دولت معاخر متحمل شده احراز را در حربان
انتخابات بر عهده بگیرد.
۲- با اینکه مالیات‌های احراز را بر سر بسته باشند و
قدرتی که درمان مردم را درست نمایند که مثلاً دولت کارزاریک
هر سه‌ماهی انتها احراز را به سمت دولت آزادی که
بدست سازمانهای مدنک و مدنی در سود احراز بسته
نمایند و این تدبیر بگزینیم که برابران اداره و میران
خدمویت ملی و مردمی احراز را در حستان توطئه و لذت
نامیں میگیرد. سلاً هر جزوی مری هر سایه‌بای که بـ
جلس میفرستند. شست هزار کوبن (واحد بول سوپه)
برایات میکند. و با درستله، قانونکار ۱۹۶۹ می‌توان
دادن از کارکردهای سایه‌گان یک حرث در آن خرس این احصار
لذت مالی توسط دولت نامیست.

ب عده کشور بعضی سوالات دمکرات و دیگر از مساجی
ن کدام ۷۵ میلیون مارک مردم این انتخابات خود گردیدند
فراسه، فقط خروج حباب اعلانات چک نامه انتخاباتی
کل کشور حدود ۴۰ میلیون فرانک برآورد شد است.
مردمان باید از حدود ۴۰ میلیون فرانک گذشتند از عهده
پس خرسهای ایشمن سگمن بوساند. فرض میگنیم
اعزاب طبقه کارگر با پیشیاس وسع تردد های موافق
بودند چند نمایندگی به پارلمان بفرستند و هر زندگی
حایاتی از این حق غصه ها و شریطات و کتب و مطبوعات
نمیگردند.
اما اعزاب دست راستی و ماستی که از اینچیز
غصه پرخواهند نیستند و نهایاً اک اثیت محدود حاصل
ارگند انشان هستند به چه طوری امور معاش میگذند؟ آیا
این که اما که محدود در درت بعضی رسمایدان را هستند
نه انتخابی کاندیداهای فاشست را ناین می نمایند؟
خدودمان سوال کنیم چه کسانی، چه محافلی هریسه
حایاتی ایک فرم افسوس و کلکه کلیک می شل ریگان، گاندیدای
ب حمیری خواه ایک مردمکار نمهد گرداند؟ و پیغمبر دنیت
دوهایها در دنکی حامر کارونیه که با عالم گردان شمار
حقوق پسر" حاضر است را یک گوکان حسنه صدھا و هزاران
سی را قتل اعمال کند یا یک تحصیت فاند موبیت ملى و
پس مثل نخبار و ما امثالیم را روی کار آورد؟
در باب مسئله بودن اعزاب و مسامع اینها آمدها
بن اساسی کشورهای دمکراتی باز نیامی موافقت حاصل را
ن و مسخر گردانند. در هنین مسئله، برهنی بکس از

از اخراج جلگه‌کشی کرده است، در مینه ما بایز بعد از
نه لازم است که حدود عمل دستخات و اخراج سیاسی
و منحصربود. فی الحال اهل چهارم قانون اساسی
فراسای ایران اخراج و گروههای سیاسی را نظریه
نمایم به اصول حاکمیت ملی و دکتری اس و سیستم شناخته
دی عمل آنان را تضمین نموده است.

بیهیں بخواهند این اصل ۱۹۴۷ میلادی موجوب اصل
حق انتقام اسلامی را برای شرکت آزاد در
عمل سیاسی برپای شهود دمکراتیک مجاز می‌سازد.

اما قانون اساسی جمهوری اسلامی ماده سیماحدود
خراب و گروههای سیاسی اشاره نمی‌گذارد بلکه از مسئلای
فرمانی اساسی اغلب گلبهای بازالتانی شدید
بین‌النیروهایی باشد از این سلطنه مهم همان‌
و بنای ملی اعراب است. قانون اساسی ما در مورد
این باید شفیعکی و انسانی از شرکت در آنها معی
باشد که شرک در یکی از آنها محبوب باشد - خود و از
غایر داده است. اما باید ظهور این مسئله اگر فی الحال
از اخراج کشور از حکمت عالمی حارجی مامن شود در
جهوت تکلیف آن بخواهد بود، تکلیف وظیله
حاکم و پیشیبان قانون اساسی هم معلوم نشده است.

بر این اوجه که معلوم و ملم می‌ساید این است که

اگر که مخواهم تعریف حامی و مانعی از حزب بدم
مدهمست میتوانم آن را مبنوان یک مجمع یادداشت افسرداری
نشانم که اداری علیهای منترک و پیشان در مقولهای
احساسی و چیزیکی رسیدن به قدرت برای اجزای سیاستهای
ستحسن دیافتند.

تاریخ سید ایش آحزاب ساسی سازمان یافته به فرسن
وزده هم برپرسیده بشارت دیگر آنچه که قل این موند هم
مبنوان حزب نامیده مسند در واقع چیزی بست از گروههای
سیاسی یا پایه ای برآورده است و تقریباً بعد از سال ۱۸۷۰ میلادی
است که از این قدرت احزاب سازمان یافته و مستکل جان میگردند.
از نقطه نظر انسانی میتوان گفت که احزاب در کشورهای
نسلان یا آزاده بندار شده اند. یعنی همینها با ورثت
رسوزوای در عرب مفهوم بوده و نگامل یافته است.
نمودهای اولیه احزاب ساسی را در تاریخ انگلیس
بعد از این هدف هم ملادی میتوان مشخص کرد.

اگست وجودی احزاب برکی پوشیده بیست. همه
سروهای احساسی، خواهد مردمی با که قد موده، میگوشنند
نهایاً از طریق ابعاد حزب و سازمان یاری قدرت را بدست
کنند یا که حکمت کنند. در تاریخ عصر میتوان گفتن
احزاب را در سیم و هرکت شوهای موجود در جایه
منشاهده کرد. فی النیل در آستان بعد از حجج اول سرای

جای آن دارد که در ترمیم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این مسئله مورد علاقه نظر قرار گیرد و حدود فواید احیا بمحروم باخترام به اصول حاکمیت ملی، و آزادی و استقلال کشور قسمی، داد.

احزاب در هر صورت وجود دارد. پس باید سه مسئله وجودی احزاب برداخت. در تعريف حزب، آن را بعنوان مجمعی پایدار خواهیدم و می شنیده برای پایداری بودن و عاقلي ماندن نیاز به بودجه و اعتبار است. این اعتبار از کجا نامن می شود؟
مبارزات سیاسی بهگام انتخابات برآستی سکن و برخی اشت و متوان اعطا کرد که حق عمومی کی احنا کی اعضاً یک حزب به جای اش و از مردم میکند آنچنان ناجبر است که حتی تا زمان مخارج تبلیغات انتخاباتی سکان نگیرد و از مردم نکند. فی الحال تعداد اعضاً حزب کوچک است که در حدود ۱۰ هزار نفر است مطابق تهدیف آندره کالماها سرچ سمت خود حق عمومی کی اعضاً میبرد از مردم ۲/۵ فرانک است و این مبلغ ناجیر نمی تواند هزینه های این حزب غنیمت را نامن کند. هزینه هایی که روپرور سکن نمود و عطیه نمودند. حزا که در تابعیت کشورها دیگر ایجاد نمی شوند این محدود است. فی الحال سرچ همراه انتخابات بودن و قدر افزوسی باشد است. فی الحال سرچ این هزینه ها در امریکا

نگذار ندر فیس حمہود یاموردم صحبت کند!

احمد علی، یادنامه

۴- با اینکه فعالیت‌های اخراج را در حبس نمود و درسی کارهای مدنی در مدردم دارند تا مین کند مثلاً دولتم کوستاریکا فریدندهای اخراجی اخراجات را به سمت دولتم آرائی که دسته دنار و دنام تامین می‌کند و با در مدد، اخراجات عوقبیت اخراجاتی تزییی دارد و بین ترسی که پوشانش اخراجات و انسان حقوقبست ملی و مددی اخراجات بود همان نوط دولتم داشتن اناس میگردد. مثلاً هرجوی برای هر نایابدی که بیمه جلس مفترضه، سمعت هزار کوب (واحد بول موست) را بایافت میکند. و با در قفلاند، قابوکوار ۱۹۹۰ ترا میان اعداد کوسی‌های نایابدی کنک هوی در آخرین انتخابات نک مالی توسط دولت تامین میشود.

من میگوید.
اما احزاب دست راسی و ماترسنی که از اینچنین
معنوی برخودار نیستند و تنها بک اتفاقی محدود هستند
کارگردانشان هستند به جه طبق امروز شاعر میگذرد؟ آیا
این است که مغافل در درت بعضی سریعاً داده اوان هستند که
بهم اتحادیاتی، گاندیداهایی فاست را نایم می تایند؟
خودمان سؤال کیم چه کسی، چه مخالفی هستیه؟
حبابیان یک درست فشارشده و کلیکی می باشند رسیان، گندیدای
ب محصور خواهند امیرکاران نموده کردند اما و بهمین درست
حقوق پسر حاضر است با یک کوکنا حقی صدها و هزاران
کسی را قبول اعتماد کند ما یک شخصیت فاذ خوبت ملسی و
پیش بخبار و امثالیم را ووگ کار اورد؟
من اساسی کشورهای دمکراسی بازیگرانه موافط خاصی را
نمی شنخ کردند. در همین مسئله، بوطین یکی از

دی اخراج بود اخت. در معرفی حزب، آن را معنوان
پی پایدار خواهند دید و می شمده برای پایداریون و باقی
آن نیاز به موجه و اعتبار است. این اعتبار از کجا
من میشود؟

هزاران سسی بهنگام انتخابات مراسمه سکنی و
وح است و میتوان ادعای کرد که حق عصوبی که اعطا شد
این حزب به خزانهای واژه های مکنن انجان ناجیر
که حتی تاذی نامی محارب تبلیغات انتخاباتی سک
بدارای نیست. در این مدل سعداد اعما حزب گویندست
شیخ حداد: «هر چهار نفر است مطابق بحقوق اندرونی
که از طریق متوسط حق عصوبی که اعما» میبرد از ده
ک است و این مبلغ ناچیز نیست و تا حد هر سی های این
اعظم را نامی کند. هزینه های که روزمره سکنی بر
تبلیغات میشود، حزا را در سایه تئوری های دکتر مارکوسی
پاسخ مرح هرسهای هزاران انتخاباتی بدین وقته
می باند است. فی الحال حزا این هرسهای در ایرانیکا

و دید به کتابی از حرب چنوتله تحت نام سوسنیسم: بودجه‌ای عظیم آشنا را فرماد و برگزینی خانات نازمی بشورت را مرتکب شد، امروزه در گوشه‌های جهان مکرره‌های زیادی بین میخواستند که گوشوهای حاکم مردمی را درست میخواهند تا میرایند و با نزدیک و درست، فاسقی ترین شوهای حکومت را بنگاه میگردند و با شهارهای مردمی و دشوارانه شوهای دنگداریک را به خطاون میکشند فی الحال حرب بین عراق با شهارهای سوسنیستی و صربی‌الیانی پس از آمد شاهزادن در عمل آشیان خلفان و اخنانی در گذشت همان ایجاد کرد که از توسل به شیخ جنایتی نی فرازد.

ناتوجه به همین واقعیت است که در غالب قوانین اساس کشورهای دنگاریک پارالمی، مسئله وجود احزاب ساسی سطور واضح مرد توجه فرار گرفته و اصول و موابایله و نحو عمل آنها منمن شده است. عبارت دیگر فناوریگار ما نعم حدود عمل احزاب از هرگونه نایاب خلخالت خیابانی

استقامت و رفت. تا خدا

ANSWER

بگذر از دنیا جمهور یا میردم صحبت کند!

www.Ic-soft.com

نایار از در خود احسان آرائی و امیدواری ساخت. این
عمل ادعا ماء است که نشست و نیاکانی را بر در سوت
چشمتن و سطعی کارگردان سهولت پذیراند؛ بغض
آنکه است بکوید جون فروزانان ناری شهادت میورده
بود. در طرح حال آرائی دارد. تردید نیست که لحد
حسم حر آر روی کما لایران و آمادگی پنهادت نیست.
کی حه آن لحظه و جه لحظات و جه روزهای دیگر او
موضعه حکومت پاسخگاب است و اگر غیر از این باشد هرگز
ناید زیانت و فاروق و مسی و ماظنلش میتواند باشد.
بس حسایی که در حیله سمجحت و حام شهادت را
هم پسی سکرتد عه آییها که بست حیله خدمات آنان
بیداداردو حه اییها که روحیه بیوند روی نجت
پارسانهای پیمهودی و عرضت مخدود به حیله و زیارتی
سکند و جه اینی این مردم خودبریست و شکربریست که در
نهان نای و سکار و نیز منع هدایتمان خیلی مازدند همه به تنفس
خری حیات احیای دارند. تردید نیست که نحس از
آن عطس و نیار عنوی را زیرنازهای حالت و پیهی که
قصی مجھاتی طلوبیوس تهدیه سکند خواسته دارد. آنها
بیمروری طلورخوردۀ مر حیات و معراجیزی گفت. اگر
هر چند کاردارم بخای یکتیکشی که بخواهی میگردند
شده میخودم باش ایستادنی ای ای ای ای ای ای ای

مگر عمر از ایست که این اتفاقات که مسیحی بـ
نگویی آن روزیم سـد مـروـهـنـ نـلـقـهـ وـ اـرـشـادـ وـ تـلـوـیـتـ
بـهـ وـارـدـ وـبـهـبـ اـمـاـمـ بـوـدـ! مـگـرـ حـرـانـ بـوـدـ کـهـ شـخـانـ
تـرـاـیـ اـمـ اـمـ مرـدـ بـرـزـ جـانـ رـاهـ طـلـوـ وـ اـرـواـحـ بـاـنـدـ
کـهـ بـرـدـ نـلـجـیـ هـایـ حـنـکـ وـ حـدـالـ بـاـعـالـ رـدـ وـ
حـیـ حـجـلـ مـیـکـرـدـ.

بـهـ تـحـلـیـلـ اـنـ تـوـجـیـهـاتـ مـدـامـ بـیـکـرـ اـمـ اـمـ لـحـظـهـ بـهـ
طـهـ وـ سـکـرـتـرـیـ سـکـرـتـرـیـ سـکـرـتـرـیـ سـکـرـتـرـیـ سـکـرـتـرـیـ سـکـرـتـرـیـ
کـرـدـ فـغـارـ شـاهـ وـ اـرـوـمـ بـاـسـدـیـ دـاخـلـیـ رـیـمـ وـ حـاسـیـارـیـ
مـ نـرـاـ رـمـلـهـ رـهـ حـقـیـقـیـ بـافـتـ

پـسـ حـالـاـ کـهـ اـرـجـعـ نـلـنـتـیـاتـ وـ سـاسـ وـ سـخـیـتـ بـاـ
مـ بـاـخـرـیـمـ جـراـ نـیـکـارـیـمـ رـیـسـمـ بـیـهـورـ دـائـاـ وـ هـدـارـوـ
مـرـدـ اـرـسـاطـ دـائـاـ سـاـنـدـ دـیـشـ بـارـدـیـکـ مـلـوـنـوـنـوـ دـرـ
شـرـحـیـ حـوـدـ سـخـانـ اـرـاـوـلـهـ حـامـنـ کـوـنـدـهـ حـمـرـ

شـرـکـدـ. اـمـوـرـ مـیـسـمـ عـصـمـحـاـعـهـ بـعـدـ اـسـنـادـ وـ
بـهـ وـ تـحـلـیـلـ وـ کـاسـسـهاـ وـ نـاـکـامـیـ هـایـ بـوـدـ بـعـتـ
بـتـ اوـتـ. زـوـ کـهـ بـیـسـتـ مـرـدـ بـاـوـ دـارـتـ کـهـ اوـ رـاـسـ
بـوـدـ. اـفـرـادـ سـعـیـ کـوـدـ وـ بـاـعـسـارـ اـنـکـهـ عـلـمـ مـوـسـدـ کـهـ
نـیـعـهـ وـ اـعـادـ مـحـلـ حـنـکـ بـاـسـتـ وـ بـیـانـ کـهـ مـیـکـنـدـ
فـیـ قـلـعـهـ رـیـزـ وـ دـلـتـ روـیـ نـشـهـاـ حـنـکـ وـ بـعـثـ وـ تـورـ

فـیـ قـلـعـهـ، دـلـتـ، دـنـانـ بـیـظـهـ وـ بـیـنـدـ وـ اـکـافـ وـ اـکـافـ وـ هـدـهـ بـقـاتـ

ن بازور کردش بامیران رای پیشنهاد و خود ادعای میکند
چه نوعی دعا عذاب مخواهد فرمود حرج اینکه با فرزاد
خود حجتی داشت و میتواند نهادم که میگوید
خدادوند، سیاں سوکشم غریک این چیز رحیمان
یعنی، پاک و مهربه ای خداوند عالیان، سیاں میکوئیم
که حتی با بدترین قوم ما رتفعی و بخاطر آنان رسول
ت را به شکر مسامی مفترستی سیاں جرم که حجت ترا
قویش تمام نکرد اینسانیت و از اندیشیدن نداد.
جهکوه سان اکاگاهن خالم سان اسنان دار از
ی، خداوند این رجا رفیق است که درداد نوی
مه حرارت کنم، بروید کارا، هکمه متواتم چهارم
کاگاهاران را روید رکاهت نکردم و توانم محبت کنی؟
سرکن تک حجالت آتسخازهیم (برمحکمتهی)
و ای مرما اگر من نعمت کیم را حدددار کنم وای
کن آن کیم که داده ایم رخواه و بسند
و ای مرما اگر دلی رو به سوی او گردیده باشد و فقط
ده باشد و ما هدایتش نکنیم، و ای مرما اگر حجت
مکده بریعی طلم کنم و مایاکش بناسم، و میبان سیاه
کاهان سان اکاگاهان و فقط رخراجی صفت عبید و انسانیان و

بِسْ الْمُحَمَّدِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا بَعْدِي مِرْدَانْ بُرُوكْ، اَقْتَابْ رَا بِيادِمَانْ مِنْ اَوْرَدْ كَه
بُورْسَادَهْ، سِنَادِبَهْ دَهْ مِنْ خَدْ، مَاءْ اَوْ رُوشْ مِنْ كِبَرْد
وَرَصْنْ ثَمْ مِنْ كِرْدَهْ اوْ مِنْ جَرْدَهْ وَفَرْمَادْ مِنْ دُورْهْ وَرَكْدَهْ حَوْشْ
دُورَانْ مِنْ كِنْدَهْ تَارْ بُودْ وَمُونْدَهْ وَرَوشْ رَا بِرَاهْ سَاكَانْش
فَرَاهْمَ آورَدْ، حَوْرَشْدَهْ هَجَانْ بُورْسَادَهْ دَهْ مِنْ كِنْدَهْ وَخَوْت
مَالُورْتَهْ لَهْيَهْ اَشْ رَالْخَاهْمِيدَهْ، جُونْ تِيكْ مِيدَانْ دَات
اَحْدَثْ رَامَادَهْ سَيْحَهْ كِرْدَهْ وَفَرْغَاهْ بُودْ اَكْرَجَهْ اَفْلَاكْ
كَجْرَوْدْ اَوْبَادْ دَهْ كَرْجَوْتْ رَا بِهْ اَخْرَ بَرْسَادَهْ
يَا بَعْدِي مِرْدَانْ بُرُوكْ، دَهْ خَانَهْ رَا بِيادِمَانْ مِنْ اَوْرَدْ
كَهْ رَا حَوْشْ صَرْدَهْ سَكَنْ، سَهْ تَهْتَهْ سَكَنْ وَهْ حَيْرَهْ
سَهْ دَهْ دَهْ كِنْهْ اَورَاهْ وَهَدْهَهْ كَهْ دَرِيَاتْ بَارِسَادَهْ
مِنْ حَوْرَشْدَهْ بَلَهْ بَلَهْ كَهْ بَابَ بَرْوَدْ جُونْ تِيكْ
اَكْاهْتْ كَهْ دَادَهْ حَالَقَنْ رَهْ حَلَقَنْ سَكَنْ كِرْدَهْ وَفَرْغَاهْ بُودْ
يَا سَوْدَهْ سِرَادَهْ بُرُوكْ فَرَانْ اَوْ اَهَادَهْ دَهْ دَهْ كَهْ رَا بِهْ حَمْدَهْ
(ص) وَعَلَى (ع) سِادَانْ سَارَدَهْ تَالَمْ رَا كَاثَاتْ رَا سَيْ-
هَيَاتْ كَوْجَهَهْ وَسَهَاتْ بُرُوكَهْ رَا كَهْيَهْ وَقَدَهْ فَرَمَانْ مَيْ-
سَهْ حَالَقَنْ رَا وَسَيْحَهْ مِنْ كِوْسَدْ بَهْ بَهْ دَهْ كَهْ شَانْ رَا كَهْ هَيْجَهْ
سَهَاسَهْ حَرَاهْ وَهَعْ سَهَاهَهْ دَهْ اَهَاعَتْ رَا فَرَانْ اَوْ
هَلْهَلْهَهْ كَهْ دَهْ دَهْ طَاهْمَهْ اَهَاعَتْ رَا كَهْ هَيْجَهْ

استقامت و رفت. تا خدا

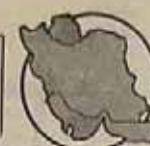
مصحف جامع

مان تهادت هم در تهادت به روی موده مرمد و نزد عالمه خانی
دور از سحرگ و نهیم، خودمانی و متفهم، آئمه از
آن متولی که ایشکار با سرمه شفایخانه دارد. و
واعدهمکمان حصلتها و اثرات در سخان آنای بسی صدر
امروز خوب به خنگ و بخوبی اندیشند حیات است.
این معکوف خلیل فردانی را در این موضع سلطان و حیات جامی
لاند بحکوم است که اگر به کاردان سرمه نمود و لایخه
مالحیس را بالآخر متوسلستارد، و باید خسته بران
خود آمدن جنس انسانی توپوی کیم. امروز دوست
هر چند پیر میواند خواکنی سارهای این لعنه ماده
کاتان را میسر فراهم کنیم. نسلنای و گلکنی سالم و موثر
مودم از لوازم حنفی و نوری و دارس این امر است!

ف و اندیش با واحدها، و اراده است، لذا پس از سیند
 وقت کلی عالم استوار است و روپریدیر نیست، شیطان
 مش داده بخطار مال و همه و فاعم دنیوی که در نظرش
 ذهن نهایانه داشت، توجه گرفت ساخته، آنچنان که اگر
 نکاهان کشم رفاقت مخلف زانی مصادسان
 نیست، آنچنان که اگر مومنت ها سرگفتند، سفرمان
 سرم و حسنه کاهی درالامان و گلستان در خالی فرب دادن
 میان میسمم و در رهاب مهرهستان بیندازیم و
 میایم که سار میل از ایوان، دس سدهاند و طالب
 ف، و اینان دیگر اتفاق را بدمان مذاورند و اتفاق
 را بداعی خواهد کرد که در هر رسمی از رنگ خوش
 مده و سیاست دشکه رقصی اس و اتفاق علی رغم بودش
 میان خواهد ناید،
 و میانند که در هرگ مداد لال را دوس مدارد
 عقایق مذهبی و هیبتیم که نذکر را لازم می‌نمایند
 اس اکر جامعه اندیشیده نهایاند جایی برایان دنیا وارد
 و پیغمبر میسمم که اصلًا غافلون را سکر سوپرد و باره به
 نیست که خداوند همه شرکت و میکند و استلال میکند و
 نهایان همچنان بمنور احمد گ منعولند.

د تاکم که باید حاکم شوی
واز برما اگر حلطاوی تباشدیم سه اینکه، دات
ها لایش، این گناه را مو رسولت می خشید و عداست کرد و
ش کرد برما جگونه خواهد خشید؟ فانون او لایتم
از درگاهش بورس بظیلم و براه بیانم باین اینکه
بوسن مسئول لطفشو شویم و باک کردیم، اگر عقیده
ن، بگذارید، اگر او درستان خلاصه مورم
بروگردگار غالیان بند که حلقت خوشی اکا هست .
سد محلوقی را که می استدلاد آیانه نسازد، س
عاق مسندویی حست را سن سمعش نمیگرد.
رسول مسند در حلقه شاری باین کار مسدارد .
روان را با ایوان محضر مسلح میکند، بران را ای
واباب میکنم بازل میغواهدم . چون فانوش نلامید
او انسان را کامل دوست دارد و رسیدان که اوی ملت
نسازد و قاتل خسود . وعلاوه بررسیلان موستان را
مرده ارتشد میکند و میخواهد ایکی که این در میانیم و
ترین فانوش را ریباراکدارد میکند اور چون قلچه
که است، پیمانهار کشید است . سخنچه اس در
که مسئول است، پیمانهاری بگرد ایس . فرماسن مرده -
دوخواهیات پیغمد که ماید اسد لال گرد و ایور میگرد

تا دلایلیست میتوانیم اینها جیزی را فرمائیم. سرداری
 هم بود، او سلطان را نتوی میتواند اواز طبلان و عصیان
 نزرا حراست. هر وقت که خواهد فرمان نمیرد و میتواند
 که فرمان بود، ونان محوه وجود انسان بیهوده خاطر
 مسحود گرفتند منود و غام و امیانیان.
 وار هنچنانکه داشان آشیانی را در سعید آثار
 مسحود و لان و مسحود سفرخان علیه خود محوه شوند، علیه امروز
 و سهیانیان، پرسید ما او بود، میتوانند ناقلو و نبط
 چون خوشنده بود، چون روز سند و چون طبقت سمع
 تکریبی حالتان را ودکار گفتند
 اما آن کدام ایشان است که میتوان به عنوان بددهد
 از کدام وسله زیر ایشان که با این سهندور چرخی که
 میتوانیم آنکه... آن را باشد ایشان میتواند، جنگیدن ایشان
 ساورد و مکونه ناید و میتوانیم بدهد و حکمه ناید راه خوبی
 را میتوانیم
 آیا سراغ دارید در ایشان بددیده ای که میتواند اینها
 جیز از ایشان است که؟ آیا جو شاخت و آکاهی چه دیگری
 میتواند؟
 و میخواستم که معنی رحیم الهی را در میانم که



نیت پشتیبانی مطبوعات آمریکا از ریگان و کارتر

شهزاد از جان اندر من مازد
 مستقل حیات گردید و ساره
 روز باغها را در گردش گردید که
 حیات پنهان یک از نادرت‌های
 استخیا را رکنید و سرگردید.
 شریه اورادون باشد
 من اشتباه به این مطلب که
 موضع گردی این روزانه‌ها غیری
 به توجه انتظارات معمولی
 مادر و دست اندگی اهل از پدر و زی
 جان گذشت در میان ۱۹۶۰ نهایا
 ۴۰ روزه‌ها از رو پیشی‌پیشی می‌
 گردید در حالتی این ردم بر اوی
 ریجید نمی‌گردید و روزانه بود.
 در روزانه هشت و نیم ساعت
 و سه پیوسته این اخیراً اعلام
 گردید که او گذشت حیات
 میکشد.

انتخاب نخست وزیر جامائیکا

کشند: روز - ادوار سیک
از گروه ساختگران کارخانه های موزر و سیک
عنوان حبست در جامعه کارکنان کوشید
باد روزی انتقام داد و ب منتهی
سال حکومت سوسال نمود کارها
به روزی استثنی شغل مالیات در جامعه
که بایان ماد، مالیاتی و مالیاتی
انتقامات روز بحث به نحو
فاخری تک حکمت خود.
نحو های ساختگران روز سیستم دیگر قتل
از انتقامات روز بحث به آمار
شده بود هجدهان ادامه دارد.
۲۴ ساعت بعد از انتقامات
هر دو از شلیک گوله کشید
شدن. بر حدود ۱۳ ساعت در
جهنمیان روز گذشت.

نامه با می خوانندگان

از صفحه ۵

"از کله همکاران گرامی
در هر رشته شخصی می خواهد
که هرچه بستری مباری می ازد
در گیر و رزمت دنگان خط مقدم
جهیه نشاند.
آقای محمد فتاحی، عضو
سازمان دولت، در مقاله ای
بخت سوان "دینا بعف و
زمان شفیدا بر میگردید" با
تحلیل اثرات منی تعطیل
دانسته ای برداخته. اثبات
در قسمی از این جهوده مستفاد

سبت به بعضی اعمال خشدار
داد بیسویست اگر فریباشد
ما تمام نیروی خود را نگار
بریم برای بدست آوردن
هرچه بستری در درت و عزایز
کوید دنگری و حاکیت خود
برپوردم، بینند شک از آن
حاسیانی که از آنها نام برده
ند پذیرم.
اگه دنگری داشتم از
چاهیدم تکان نمیخوردیم ای
چاهیدم تکان نمیخوردیم ای
دانگری، دنگاریها

نامه های خانه زنگنه

سبت به بعضی اعمال هشدار داده شدند. اگر فرار باشد ما نام شروی خود را بکار میبریم. مرزی دسته اوردن فرجه مشترک فدرات و خواز گردید. بگویی و حاکمت خود بوسیرم. مدرب شک از آن خراسانی که از آنها نام برده شد بذیرم.

نامه دیگری داشتم از جامعه شکان سعادت آباد که من برترین فداکاریها و ایثارهای هنگاران بررسی و تحقیق فروزاند از روی سلسله مسلمان با این این انتقامی سا اتفاق آمیزی با فرهنگی ندارد. بیمهار تضمیم و عمل مأذونه علایق ملطفی و

الفہرست

تعمیق آگهی مزایده ۱۹۸۵/۶/۱۶ تا ۱۹۸۵/۷/۲۰ اداره کل امور تعاون تعداد ۲۰۰ محتفظی و قائم و نعدادی کلم و جن و پشتی مرکز حرفه‌ای فعالی باقی عناصری را از طریق مزایده بفروش مسراسد. تراابت:

- ۱- پستهاده دهدگان باید بعادل در درست مبلغ پستهادی را به عنوان مبادله بر حساب ۲۵۶۴۸ مانع ملی و اورن مودعه و پشتی آنرا با خاتمه نامه باکن ممکن بیشهاد خود تبایند.
- ۲- پستهاده دهدگان باید پستهاده های خود را نسباً سام سام مدارک دریافت کار لاق و میرهند، ناخر سام اداری رویشته ۵۹/۸/۱۷ شه دبیرخانه اداره کل آموزش تبار تحویل و رسیده رسانی را تبایند.
- ۳- پستهاده دهدگان مسوادست سرای مازایده فرشها و کلم و جن و پشتی بعادله کل آموزش عتبار مراجع تبایند.
- ۴- پستهاده های رسیده ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۵۹/۸/۱۸ در کمپیوئی کدرا اداره کل آموزش ستار شکل خواهد شد. رسیدگی می شود.
- ۵- خبر پستهاده دهدگان در گیسوین آزاد من باشد.
- ۶- رسیده بعادلهای کلیه مخصوصات دسی را خداکثر ناخر وقت اداری رسیده ۵۹/۹/۱۵ تحویل گرفته و از اداره کل آموزش ستار خارج می شود.
- ۷- هر چند درج آگهی و رسیده هر گونه عالیات و عوارض کوایه خلل و خجالتی بعدهمده رسیده خواهد بود.
- ۸- اداره کل آموزش ستار در رد ناقابل بک و ما کلبه پستهاده های رسیده بخار و محترن خواهد بود.
- ۹- به پستهاده های سروط و فاند رسیده و همچنان پستهاده های که بعد از مسدود مقرر شدن در آگهی سلسه در مراتبات اداره کل آموزش ستار گردید، توپت از داده شد و خواهد شد.
- ۱۰- رسیده اداره کل آموزش و پرورش عشاپری- باور

نیازمندی‌ها: ۳۲۸۵۱۹ - ۳۱۱۰۸۶ - ۳۱۵۵۳۰

